

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن آلمان هشتم اگست 2008

وعدۀ تصویر

وعدۀ کردی که فرستم ، یکی تصویر ، چه شد؟
کاسۀ صبر من از وعدۀ شکستن ، بیشکست
ای بهانه گر و ، ای شوخک و ، ای وعدۀ خلاف
گر دو سه عاشق بیچاره ، چو تو پیدا بود
قهر از من مَشو و ، من ز تو قهرم به خدا
عاشقان در پی معشوق ، دوانند ، ولی
از خدا حافظی و قهر ، سخن می رانی
جگرم پاره نمودی و ، نمک می پاشی
پس ازین نام مرا محو کن از صفحۀ دل
آخرین پاسخ من گیر و ، نما تعویذش
به امیدش ، من آواره شدم پیر ، چه شد؟
پترة و ، پترة گر و ، جرأت تدبیر ، چه شد؟
تہمتی ، بر من افسردہ ز تحقیر ، چه شد؟
همه معشوقہ به فریاد ، کہ زنجیر ، چه شد؟
کہ به آزارِ دلم ، لحظہ ای تأخیر ، چه شد؟
من بقربان سرت ، قسمت و تقدیر ، چه شد؟
ناز کم کن صنما ، توبہ و نقصیر ، چه شد؟
مرچ تند سخن و سوزش و تأثیر ، چه شد؟
زیر پا کردہ بگو ، منبع تنویر ، چه شد؟
دل «نعمت» چه شد و قدرت تسخیر ، چه شد؟

وعدۀ کردی که فرستم ، یکی تصویر ، چه شد؟

به امیدش ، من بیچاره شدم پیر ، چه شد؟